



بیانات در دیدار مسئولان قوه قضائیه - 2 / تیر / 1403

بسم الله الرحمن الرحيم (1)

و الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين
الاطهرين المنتجبين سيما بقية الله فى الارضين.

خیلی خوش آمدید برادران عزیز و مسئولان محترم و معزز قوه قضائیه که یکی از برترین و مهم‌ترین مسئولیت‌های کشور را بر عهده دارید. عید غدیر را تبریک عرض میکنم. ولادت حضرت امام هادی (علیه الصلاة و السلام) را که امروز است، تبریک عرض میکنم. یاد شهدای برجسته‌ی قوه قضائیه، شهید بهشتی عزیز و سایر شهدائشان و بخصوص شهدای اخیر که مرحوم آقای رئیسی (رضوان الله علیه) سابقه‌ی خوب و برجسته‌ای در قوه قضائیه دارند - یاد همه‌ی این شهیدان عزیز را - گرامی میداریم؛ خداوند درجاتشان را ان شاء الله عالی کند و زحماتشان را مأجور بدارد. از کارکنان شریف قوه قضائیه - چه مدیران، چه قضات، چه کارکنان اداری - بنده صمیمانه تشکر میکنم؛ تلاش میکنند. همان‌طور که آقای محسنی فرمودند و بنده هم بی‌اطلاع نیستم، بحمدالله تلاش خوبی دارد در قوه انجام میگیرد؛ خیلی متشکریم از زحمات شماها، از تلاشهای شماها. و بخصوص از خود رئیس محترم قوه بنده متشکریم. ما می‌شنویم از ایشان در جلسات دیدارهای با ایشان، کارهایی را که در قوه انجام گرفته؛ تذکراتی میدهیم، گزارشهایی می‌شنویم؛ خوب تلاش میکنند، بحمدالله خوب کار میکنند. علاوه بر نقاط مثبتی که در آقای محسنی هست، این هم یک نقطه‌ی مهم و بحمدالله یک فضیلتی در ایشان است که قوه قضائیه را می‌شناسند و به خاطر طول مدت کار در اینجا، بر اجزا و جوانب و خصوصیات این قوه آشنا هستند که این نقطه‌ی قوت برجسته‌ای است. به هر حال، ما از همه‌ی شما متشکریم.

چند جمله در باب قوه قضائیه عرض میکنیم. گزارشی که ایشان دادند گزارش خوبی بود، کارهایی که انجام گرفته کارهای باارزش و خوبی است. موضوع اصلی در قوه قضائیه در همه‌جای دنیا - نه فقط در کشور ما - عبارت است از حل و فصل مسائل مردم بر اساس عدالت؛ این یک، و دیگر جلوگیری از عبور از خط قرمز قانون؛ اساس کار قوه قضائیه این است. لذا شما ملاحظه میکنید در کشور ما قوه قضائیه از اول نامیده شده به نام «عدلیه» یا «دادگستری». اصلاً مسئله در قوه قضائیه مسئله «عدالت» است؛ این اساس کار است. همه‌ی توجهات باید در درجه‌ی اول بر تأمین عدالت در اختلافاتی که بین مردم هست و در تظلماتی که صورت میگیرد، متمرکز باشد. همین کثرت ورودی پرونده که اشاره کردند، اینها خب تظلمات است دیگر؛ بایستی به مسئله‌ی رعایت عدالت در اینها توجه کرد.

در اسلام هم - که شما آقایان همه بحمدالله واردید، مطلعید - مسئله‌ی عدالت یک نقطه‌ی برجسته است در تعالیم اسلامی؛ در قرآن، در نهج البلاغه، در روایات، در آیات شریفه‌ی قرآن: «وَ اِنَّ حَكَمَ فَاَحْكَمَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ»؛ (۲) جای دیگر: «وَ اِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا»؛ (۳) جای دیگر: «اِنَّ اللّٰهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ»؛ (۴) جای دیگر: «قُلْ اَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ»؛ (۵) جای دیگر: «وَ اَمَرْتُ لِاعْدِلَ بَيْنَكُمْ»؛ (۶) جای دیگر: «كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِقَوْمِهِمْ وَ لَوْ عَلَى الْوَالِدِينَ وَ الْاَقْرَبِينَ»؛ (۷) جای دیگر: «وَ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَتَانُ قَوْمٍ عَلَى الْاِلا تَعْدِلُوا»؛ (۸) و آیات متعدد دیگر. محور، عدالت است؛ یعنی روی کمتر نقطه‌ای مثل عدالت در قرآن کریم و در سایر منابع اسلامی تکیه شده. نتیجه این است که همه‌ی



سعی قوه‌ی قضائیه، با شجاعت، باید معطوف باشد به ایجاد عدالت. البته همین‌طور که عرض کردم این، کار آسانی هم نیست؛ شجاعت لازم دارد. با شجاعت بایستی در این مقوله وارد شد و بدون ملاحظه عدالت را اجرا کرد؛ قضاوت عادلانه و غیر جانب‌دارانه. همان‌طور که در صحیفه‌ی سجادیه حضرت در دعای بیست و دوم میفرماید: جوری عمل کنم که «حَتَّىٰ يَأْمَنَ عَدُوِّي مِنْ ظُلْمِي وَ جُورِي وَ يِيَّاسَ وَ لِيِّي مِنْ مَيْلِي وَ انْحِطَاطِ هَوَايِ». (۹) قوه‌ی قضائیه و قاضی و مدیر جوری عمل کند که دشمن از ظلم و جور، مأمون بداند خودش را و دوست و نزدیک از جانب‌داری مأیوس بشود. اگر این [جور] شد، آن وقت امنیت قضائی، امنیت روحی و روانی در جامعه به وجود خواهد آمد؛ یعنی مردم احساس امنیت خواهند کرد. این خیلی مهم است که مردم احساس کنند که با وجود قوه‌ی قضائیه به آنها ظلم نخواهد شد و اگر تظلمی کردند، عادلانه برخورد خواهد شد. اصل قضیه این است؛ برای اینکه [این عدالت] تحقق پیدا کند من دو سه نکته را یادداشت کردم که عرض بکنم.

اولین مطلب این است که قوه‌ی قضائیه باید «برنامه‌ای» عمل کند، با برنامه وارد بشود که خب حالا اشاره کردند که بحمدالله برنامه‌های خوبی هست. سندهای تحوّل – چه سندی که قبلاً تهیه شده بود، چه سندی که بعداً تجدید نظر شد و اخیراً هم شنیدم این سند بروز شده؛ کسانی که دیده‌اند، مطلعند، تعریف میکنند – خب سندها، سندهای خوبی است منتها آن چیزی که من را نگران میکند، این است که این اسناد خوب، چندان تأثیری در شاخصهای عمده‌ی قوه‌ی قضائیه نداشته.

این سندها، سندهای خیلی خوبی است. حالا چند مورد [از شاخصها] را من عرض میکنم که اینها را از گزارش خود قوه‌ی قضائیه که مکتوب فرستاده بودند، نقل میکنم. مثلاً مدت زمان رسیدگی؛ یکی از شاخصهای عمده این است دیگر؛ مدت زمان رسیدگی کوتاه بشود.

نقض آراء دادگاه‌های بدوی؛ من مکرراً روی این تکیه کرده‌ام که اینکه دستگاه بنشینند، قضات پرونده‌ای را رسیدگی بکنند رأی بدهند، بعد در دادگاه تجدید نظر رأی نقض بشود، این حاکی از این است که آن رأی اول، رأی ضعیفی بوده دیگر. این همه زحمت هم کشیده شده، زمان و پول و نیروی انسانی صرف شده، خب نتیجه، نتیجه‌ی مطلوبی نبوده. بایستی نقض آراء دادگاه‌های بدوی کم بشود؛ [اما] نشده، با وجود اینکه این سندها، سندهای قوی و خوبی است.

یا گزارشها و شکایتهایی که به سازمان بازرسی رسیده؛ اینها افزایش پیدا کرده، کم نشده. یعنی از این قبیل شاخصها [وجود دارند]. باید سند را شما جوری تدوین کنید و جوری اجرا کنید که در این شاخصها اثر محسوس بگذارد. حالا باید دید آیا اشکال از کمبودهایی است که در سند وجود داشته؛ یا نه، سند خوب بوده، برنامه‌ی اجرائی خوب نبوده؛ این را بایست بررسی کنید؛ به نظر من جزو کارهای مهمی است که خود رئیس محترم [قوه] بایست افرادی را مأمور کنند که بررسی بشود ایراد از کجا است؛ آیا از قابل اجرا نبودن سند است یا مشکل در اجرای سند است.

یکی از مهم‌ترین موانع دستیابی قوه‌ی قضائیه به آن جایگاه مطلوب، کثرت پرونده‌ها است که این روی قاضی فشار می‌آورد. یکی از علل ضعف در آراء قضات همین است که روی قاضی فشار می‌آید، وقت هم کم است، گاهی اوقات این به اصطلاح آمارهای پایان ماه هم شاید در مواردی بی‌تأثیر نباشد؛ اینها موجب میشود که آراء و احکامی که صادر میشود، احکام قوی و قاطعی نباشد. باید یک فکر اساسی و درستی برای کثرت پرونده‌ها کرد که آن هم به عهده‌ی خود شما است.



یکی از کارهایی که به نظر من لازم است در قوه قضائیه انجام بگیرد، ارتقاء دانش قضات است. ما در قوه بحمدالله قضات فاضل کم نداریم، لکن خب قوه وسیع است. همه قضات بایستی از لحاظ دانش قضائی ارتقا پیدا کنند. من شنیده‌ام دانشگاه علوم قضائی ظرفیت خوبی در این زمینه دارد؛ از این ظرفیت حداکثر استفاده بشود. [ارتقاء] دانش قضائی؛ اگر این [طور] شد، بسیاری از مشکلات کم خواهد شد؛ یعنی تسلط بر دانش قضائی موجب میشود که پرونده، هم متین‌تر رسیدگی بشود، هم سریع‌تر رسیدگی بشود.

یکی دیگر از کارهای لازم این است که خب بحمدالله در میان قضات شریف و کارکنان زحمت‌کش قوه قضائیه – که کم هم نیستند بحمدالله؛ این دستگاه وسیع، از تعداد کثیری کارکنان خوب و قضات خوب برخوردار است – افرادی هستند که واقعاً جهادی کار میکنند؛ [باید] افرادی که جهادی کار میکنند تقویت بشوند. به هر حال حاصل مطلب به نظر بنده این است که باید جوری عمل بشود که افکار عمومی، قوه قضائیه را «عدالتخانه» تشخیص بدهند، مرکز عدالت تشخیص بدهند و در قوه قضائیه بدون ملاحظه احقاق حق بشود؛ یعنی مسئله این است. البته این کارهایی که در حاشیه این مسائل انجام میگردد کارهای باارزشی است؛ اینهایی که ذکر کردند کارهای باارزشی است، لکن عمده‌ی کار این است که جلسه دادگاه، جلسه قضاوت عادلانه باشد، برون داد جلسه دادگاه عدالت باشد؛ عدالتی که همه هم حس کنند که این عدالت است؛ حتی آن کسی که علیه او حکم صادر میشود، البته ناراضی است، ممکن است اعتراض هم بکند اما در دلش تشخیص میدهد که کار عادلانه‌ای انجام گرفت.

یک توصیه دیگری که من قبلاً هم عرض کرده‌ام، (۱۰) سرعت رسیدگی به پرونده‌هایی است که دارای بازداشتی و زندانی است. گاهی اوقات یک گزارشهایی به دفاتر مردمی ما میرسد که نگران‌کننده است؛ کسی در زندان است، پرونده‌اش هم در جریان است، منتها آن سرعت لازم در رسیدگی پرونده مشاهده نمیشود. خب این زندانی سختی میکشد دیگر، بالاخره باید زودتر تکلیف [او] معلوم بشود؛ این یک نکته‌ی بسیار مهمی است. یا بعضی‌ها مشکلشان در داخل زندان مشکل لاینحلی است؛ کسی به خاطر یک مشکل مالی افتاده زندان، و چون نمیتواند [بدهی‌اش را] بدهد، این بدهکاری مالی روزبه‌روز دارد افزایش پیدا میکند، به همین نسبت زندان هم طولانی‌تر میشود. بعضی‌ها را انسان نگاه میکند میبیند تا آخر عمر باید اینها در زندان بمانند، آخرش هم پول داده نمیشود؛ این باید یک جوری علاج بشود. بنده یک وقتی قبلاً به قوه قضائیه گفتم که شما در یک مواردی حتی از وجوهات میتوانید وحق دارید این پولها را اداء کنید؛ بنده نسبت به خرج سهم امام از وجوهات خیلی سختگیری دارم؛ یعنی مسجد و مانند اینها که میخواهند بسازند من اجازه نمیدهم از سهم امام بسازند، اما معتقدم از وجوهات حتی میشود برای یک چنین مواردی استفاده کرد؛ مشکل را باید حل کرد، باید علاج‌جویی کرد.

یکی از توصیه‌های دیگری که میخواهم عرض بکنم، این است که شنیدم بعضی از قضات محترم در احکام قضائی‌شان استناد میکنند به مبانی حقوق بشری غرب! این غلط است. آن مبانی، مبانی نادرستی است؛ حالا خودشان هم که عمل نمیکند هیچ – نشانه‌های واضحش امروز در دنیا جلوی چشم همه هست که آنها عمل هم نمیکند – اما اصلاً مبانی، مبانی غلطی است؛ قاضی ما نمیتواند برای حکم خودش به غیر قانون داخلی کشور استناد کند؛ باید [طبق] قوانین داخلی انجام بگیرد.

آخرین توصیه هم، توصیه درباره‌ی این بازدیدهای مفیدی است که ایشان (۱۱) دارند؛ این بازدیدها باید ادامه پیدا کند و مفید و لازم است، نشانه‌ی مردمی بودن قوه قضائیه است، میدانی بودن اطلاع از اشکالات است؛ اینها خیلی



مهم است؛ منتها توجه بشود که آن چیزی که از نتایج این بازدیدها است، آن چیزی که در بازدیدها به دست می‌آید و نتیجه‌گیری میشود، پیگیری بشود و به نتیجه برسد. فرض کنید که مردم با رفتن رئیس قوه‌ی قضائیه در گمرک یا در فلان دستگاه یا فلان نقطه‌ی دیگر امیدوار میشوند که حالا رئیس قوه‌ی قضائیه آمد، اشکال را پیدا میکند و حل میشود؛ این امید در مردم به وجود می‌آید. اگر آن اشکال حل نشد، امید برمیگردد به ناامیدی و بدتر از اول؛ یعنی باید پیگیری بشود که حتماً ان شاء الله انجام بگیرد. این عرایض ما در باب قوه‌ی قضائیه.

یک کلمه هم درباره‌ی انتخابات عرض بکنیم. خب بحمدالله برنامه‌های تلویزیونی خوبی دارد انجام میگیرد و آشنایی میدهد به مردم نسبت به نظرات و آراء نامزدهای گوناگون. توصیه‌ی من این است که این مباحثاتی که آقایان نامزدها در تلویزیون با هم میکنند یا اظهاراتی که در جمعشان یا تک‌تک میکنند، موجب نشود که یک نامزدی برای غلبه‌ی بر رقیب حرفی بزند که ما را دشمن شاد کند؛ حرف دشمن‌پسند زده نشود؛ این یک نکته‌ی مهمی است. ممکن است گاهی حرفهایی صادر بشود که این، کشور را، ملت را، نظام جمهوری اسلامی را دشمن شاد کند؛ این جایز نیست. حرفهایی که زده میشود، حرفهایی باشد که دشمن کشور را، دشمن نظام را، دشمن مردم را خوشحال نکند. فرض بر این است که همه‌ی این آقایان ایران را و جمهوری اسلامی را دوست دارند؛ فرض این است دیگر؛ میخواهند رئیس در این نظام و در این کشور باشند، برای این مردم [کار کنند]. جوری صحبت بکنند که دشمن را خوشحال نکند.

امیدواریم ان شاء الله روزبه‌روز قوه‌ی قضائیه‌ی ما به آن نقطه‌ی مطلوبی که آقای محسنی اشاره کردند، نزدیک‌تر بشود و به آن نقطه برسد و ان شاء الله خدای متعال کمک کند، توفیق بدهد که همه‌ی امور کشور بر طبق رضای الهی پیش برود. امیدواریم ارواح طیبه‌ی شهدا از شما راضی باشند، روح امام بزرگوارمان از شما راضی باشند، و توفیقات الهی ان شاء الله شامل حال همه‌ی شما باشد.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

(۱) در ابتدای این دیدار، حجّت الاسلام والمسلمین غلامحسین محسنی اژه‌ای (رئیس قوه‌ی قضائیه) گزارشی ارائه کرد.

(۲) سوره‌ی مائده، بخشی از آیه‌ی ۴۲؛ «... و اگر داوری میکنی، پس به عدالت در میانشان حکم کن...»

(۳) سوره‌ی انعام، بخشی از آیه‌ی ۱۵۲؛ «... و چون [به داوری یا شهادت] سخن گویند دادگری کنید...»

(۴) سوره‌ی نحل، بخشی از آیه‌ی ۹۰؛ «در حقیقت، خدا به دادگری... فرمان میدهد...»

(۵) سوره‌ی اعراف، بخشی از آیه‌ی ۲۹؛ «بگو: «پروردگرم به دادگری فرمان داده است...»

(۶) سوره‌ی شوری، بخشی از آیه‌ی ۱۵؛ «... و مأمور شدم که میان شما عدالت کنم...»

(۷) سوره‌ی نساء، بخشی از آیه‌ی ۱۳۵؛ «... پیوسته به عدالت قیام کنید و برای خدا گواهی دهید، هر چند به زیان خودتان یا [به زیان] پدر و مادر و خویشاوندان [شما] باشد...»

(۸) سوره‌ی مائده، بخشی از آیه‌ی ۸؛ «... و البته نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید. عدالت کنید...»

(۹) «تا دشمن من از جور من در امان ماند و دوست من از توجه و هوای نقسم نومید گردد.»

(۱۰) از جمله، بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه‌ی قضائیه (۱۳۹۸/۴/۵)

(۱۱) رئیس قوه‌ی قضائیه